

متن پرسش

سلام جناب استاد گرامی وقت عالی بخیر: یک تأمل نظری داشتم درباره مفهوم کمیت که در بیانات شما به کرات برای نقادی فرهنگ مدرن به کار می‌رود. به نظرم استناد به این مفهوم نیازمند دقت‌هایی است. این طور نیست که بشر مادی‌گرای جدید فقط به دنبال کمیت‌ها است. ما کمیت را با پول و خانه و ماشین و این جور مادیات شناسایی می‌کنیم اما همین امور را برای لذت‌های حسی و وهمی طلب کنیم که این لذات از سنخ کیفیت هستند نه کمیت! به علاوه کیفیات قابل اشتداد هستند و از این جهت خودشان قابل کمیت هستند. لذا است که می‌شود از «مقدار» ایمان افراد مثلاً سخن گفت همان طور که از «مقدار» خودخواهی‌شان. می‌شود از «بزرگی» قصر بهشتی و «عده» خادمین بهشتی آن‌ها سخن گفت چنان که از «مقدار» ثروت دانلد ترامپ و «اندازه» پنت‌هوس‌هایش! لذا تعبیر دقیق‌تر از خصوصیت فرهنگ مدرن انحصار زندگی به کمیت‌ها و کیفیت‌های حسی و خیالی است و غفلت از کمیت‌ها و کیفیت‌های معنوی نه غفلت از مطلق کیفیت‌ها. این اشکالی بود که با مطالعه سیطره کمیت رنه گنون نیز در ذهنم پدیدار شد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نکاتی که می‌فرمایید در جای خود صحیح است ولی عرایض بنده مربوط به جهان کمیت‌ها و جهان کیفیت‌ها است. به طوری که در جهان کمیت‌ها هر کیفیتی هم رجوع به جهان کمیت‌ها دارد و برعکس، جهان کیفیت‌ها طوری است که هر کمیتی با روح کیفی آن مدّ نظر قرار می‌گیرد. موفق باشید